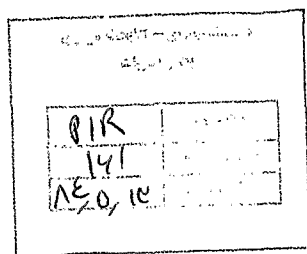




دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

به گفتار پیغمبرت راه جوی

۹۵۶۷۵



دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

جنگ در بخش پهلوانی شاهنامه

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

مؤلف:

میترا بهرامی

کتابخانه ادبیات و زبان فارسی
دانشگاه پیام نور
تاریخ ثبت: ۱۳۸۷ / ۲ / ۱۹

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسین نجف دری

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

فروردین ۱۳۸۴

۹۵۶۷۵

بسمه تعالی

تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان

جنگ در بخش پهلوانی شاهنامه

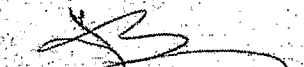



که توسط میترا بهرامی تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۸۴/۴/۱

نمره: ۱۹/۷۵

درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- آقای دکتر نجف ددی	استاد راهنما		
۲- سرکار خانم دکتر کویا	استاد مشاور		
۳- آقای دکتر سمرندی	استاد داور		
۴- خانم دکتر کویا	نماینده گروه		

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم که همیشه مشوق من در امر تحصیل بودند

و همچنین

به عزیزانم: آناهیتا و آریین

تقديم به:

همه‌ی آنانی که به من آموخته‌اند

اگرچه، یک واژه‌ی کوتاه را

سپاس‌نامه

نمی‌خواهم که سنگی گران را مانم که بر کرانه‌ی دریای زندگانی خاموشی گزینم و ماندگار بمانم، چه رفتن را دوست می‌دارم و تکاپوی موج‌های پرخروش و کوبنده را آرزو می‌کنم، که این نشانه‌ی هستی آدمی است، اگرچه دمی باشد.

«هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم.»

از درگاه دانای توس می‌آیم و ره توشه‌ای از کاخ سخن‌سترگ و اندیشه‌ی پربارش (آیین پهلوانی شاهنامه) را به ارمغان آورده‌ام و باور دارم که وام‌خرد را نتوخته و آنچه که بایستی است، نیاموخته‌ام. و شاید که این همه‌ی آن چیزی است که آموخته‌ام.

و اینک که آغازین گام خویش را در راه پر فراز و فرود نوشتن نهاده‌ام، خوب می‌دانم که بی‌خضر راه، رفتن نتوانم و اگر نبود یاری سخاوتمندانه‌ی آموزگاران خردمندم، استاد دکتر حسین نجف‌دری راهنمای دانشمندم و بانوی فرهیخته استاد دکتر فاطمه کوپا مشاور اندیشمند و فرزانه‌ام، نه این کار به سامان می‌رسید و نه این راه پایان می‌یافت. به راستی که همیشه وام‌دارشان هستم و سپاسشان می‌گویم. آفرین بر آنها که چنین شایسته و بایسته‌اند و دریغ از من که هرگز نمی‌توانم درون مایه‌ی وجود خویش را، چون سخنور بزرگ ایران زمین، سعدی نازنین، بر زبان آورم، پس به ناگزیر از زبان او به یکایکشان می‌گویم:

«من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود سر و جان را نتوان گفت که مقداری هست»

وام دارم به دیگر استادانم در دانشگاه و دریغا که واژه‌ها یاریم نمی‌دهند تا به شیوه‌ای بایسته و دلخواه سپاس‌گوی آنها باشم و ناچار همان واژه‌ی آشنای همیشگی «سپاسگزارم» ارزانی‌شان باد. از کارکنان دانشگاه که هریک به گونه‌ای یاریم داده‌اند و از سرکار خانم جانان که کار تایپ این نوشتار را انجام داده‌اند، سپاسگزارم.

در پایان از خانواده‌ام سپاسگزارم:

نخست آن نازنینی که «گفتن و رفتنم آموخت.» فرهیخته بانویی که پس از سال‌ها آموزگاری دوباره راهی دانشگاه شد تا باز هم بیاموزد. «عمرش دراز باد که چه خوب آموخت: «گر نروم نیستم.» از همیشه تا دوباره دوستش دارم و گرامیش می‌دارم. از پدرم سپاسگزارم، چه همراه او تلاش کرده‌ام تا فرود تاریکی‌ها را پشت سر نهاده و بر فراز روشنایی‌ها گام بردارم. آفتاب زندگانش تابنده باد.

از خواهرم شیوا سپاسگزارم که با بردباری تمام که گاه برخی از مشکلات روانشناسی شاهنامه را برایم بازگشایی کرده است و سرانجام سپاس ویژه‌ای دارم برای دیگر خواهرم «رزیتا» که گرچه پزشک است، اما به ادبیات فارسی و شاهنامه‌ی فردوسی عشق می‌ورزد و در تهیه و تدوین این نوشتار مرا یاری بسیار داده است. جانش توانا و اندیشه‌اش پویا باد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول:

۲	۱-۱	مقدمه
۴	۲-۱	کلیات تحقیق
۹	۳-۱	نگاهی به شرح حال فردوسی

فصل دوم: حماسه و نقش جنگ در ادبیات حماسی

۱۴	۱-۲	ریشه‌ی کلمه‌ی حماسه
۱۴	۲-۲	تعریف حماسه
۱۴	۳-۲	تاریخ پیدایش حماسه
۱۵	۴-۲	انواع حماسه
۱۵	۱-۴-۲	منظومه‌های حماسی طبیعی و مصنوعی
۱۵	۲-۴-۲	منظومه‌های حماسی اساطیری و پهلوانی و تاریخی
۱۶	۵-۲	مختصات حماسه
۱۶	۱-۵-۲	زمینه‌ی داستانی
۱۶	۲-۵-۲	زمینه‌ی پهلوانی
۱۷	۳-۵-۲	زمینه‌ی ملی و اخلاقی
۱۷	۴-۵-۲	زمینه‌ی خرق عادت
۱۷	۵-۵-۲	زمان و مکان
۱۷	۶-۵-۲	وحدت

۱۸ ۷-۵-۲ قهرمان
۱۸ ۸-۵-۲ قالب

فصل سوم: شرح جنگ‌های پهلوانی شاهنامه

۲۰ ۱-۳ جنگ منوچهر و تور
۲۱ ۲-۳ جنگ منوچهر و سلم
۲۲ ۳-۳ جنگ‌های سام با دیوان مازندران و گرگساران
۲۳ ۴-۳ جنگ سام با ازدهای رود کشف
۲۴ ۵-۳ جنگ رستم با پیل سپید
۲۵ ۶-۳ جنگ رستم در کوه سپند
۲۶ ۷-۳ جنگ نوذر و افراسیاب
۲۹ ۸-۳ جنگ رستم و افراسیاب
۳۱ ۹-۳ جنگ کیکاوس در مازندران
۳۳ ۱۰-۳ جنگ کیکاوس در هاماوران
۳۶ ۱۱-۳ جنگ هفت گردان
۳۷ ۱۲-۳ جنگ رستم و سهراب
۴۳ ۱۳-۳ جنگ سیاوش و افراسیاب
۴۶ ۱۴-۳ جنگ افراسیاب با سیاوش
۵۰ ۱۵-۳ جنگ رستم به خونخواهی سیاوش
۵۳ ۱۶-۳ جنگ گیو با تورانیان
۵۶ ۱۷-۳ جنگ کیخسرو در دژ بهمن
۵۷ ۱۸-۳ جنگ فرود با ایرانیان
۶۴ ۱۹-۳ جنگ کاموس کشانی
۷۱ ۲۰-۳ جنگ رستم و خاقان چین

۷۹ جنگ رستم و اکوان	۲۱-۳
۸۱ جنگ رستم در ایوان افراسیاب	۲۲-۳
۸۲ جنگ دوازده رخ	۲۳-۳
۹۰ جنگ بزرگ کیخسرو	۲۴-۳
۹۸ جنگ گشتاسب با گرگ	۲۵-۳
۹۹ جنگ گشتاسب با ازدها	۲۶-۳
۹۹ جنگ گشتاسب با الیاس	۲۷-۳
۱۰۰ جنگ گشتاسب و اسفندیار با ارجاسپ ۱ و ۲	۲۸-۳
۱۱۰ جنگ رستم و اسفندیار	۲۹-۳
۱۱۸ جنگ رستم و شغاد	۳۰-۳

فصل چهارم: دشمنان ایران در شاهنامه

۱۲۲ دشمنان اصلی	۱-۴
۱۲۲ دیوان	۱-۱-۴
۱۲۶ تورانیان	۲-۱-۴
۱۲۹ تازیان	۳-۱-۴
۱۳۰ رومیان	۴-۱-۴
۱۳۲ دشمنان فرعی	۲-۴
۱۳۲ مازندران	۱-۲-۴
۱۳۴ هاماوران	۲-۲-۴
۱۳۶ چین	۳-۲-۴

فصل پنجم: جنگ و آیین‌های آن در شاهنامه

۱۳۸ جنگ‌های تن به تن	۱-۵
-----	------------------------	-----

- ۱۴۵ ۲-۵ جنگ‌های روانی
- ۱۴۷ ۱-۲-۵ فریب
- ۱۴۹ ۲-۲-۵ تطمیع
- ۱۵۰ ۳-۲-۵ تحریک
- ۱۵۲ ۴-۲-۵ تخدیر
- ۱۵۴ ۵-۲-۵ روشنگری
- ۱۵۵ ۶-۲-۵ القای غیرمستقیم
- ۱۵۶ ۷-۲-۵ تهدید و ارباب
- ۱۵۷ ۸-۲-۵ تشجیع
- ۱۵۸ ۳-۵ عیاری و فنون آن در شاهنامه
- ۱۶۰ ۱-۳-۵ پنهان‌کاری
- ۱۶۲ ۲-۳-۵ ناشناس سفر کردن
- ۱۶۴ ۳-۳-۵ غافلگیری
- ۱۶۵ ۴-۳-۵ خنجر در ساق موزه داشتن
- ۱۶۵ ۵-۳-۵ بی‌هوشانه
- ۱۶۷ ۴-۵ جنگ‌افزارها و لوازم و عناصر مربوط به جنگ در شاهنامه
- ۱۹۸ ۵-۵ آرایش میدان جنگ
- ۲۱۲ ۶-۵ رجزخوانی
- ۲۱۹ ۷-۵ غنایم جنگی
- ۲۲۰ ۱-۷-۵ ابزار و ادوات جنگی
- ۲۲۰ ۲-۷-۵ روی پوشیدگان حرم
- ۲۲۲ ۳-۷-۵ اسیران جنگی
- ۲۲۲ ۴-۷-۵ ستوران و چهارپایان

- ۲۲۳ ۵-۷ زر و سیم
- ۲۲۳ ۶-۷ تخت و تاج و سراپرده‌ی شاهی
- ۲۲۴ ۷-۷ پوشیدنی‌ها، گستردنی‌ها و بوییدنی‌ها
- ۲۲۵ ۸۵ پیمان‌نامه‌های جنگی
- ۲۲۵ ۱-۸۵ پیمان صلح و آشتی
- ۲۲۶ ۲-۸۵ پیمان آتش‌بس
- ۲۲۶ ۳-۸۵ پیمان مشروط
- ۲۲۷ ۴-۸۵ پیمان زینهارخواهی
- ۲۳۰ ۹-۵ علل و نتیجه‌ی جنگ‌های شاهنامه
- ۲۳۰ ۱-۹۵ جنگ منوچهر با سلم و تور
- ۲۳۰ ۲-۹۵ جنگ سام با دیوان مازندران و گرگساران
- ۲۳۰ ۳-۹۵ جنگ سام با اژدهای رود کشف
- ۲۳۰ ۴-۹۵ جنگ رستم با پیل سپید
- ۲۳۱ ۵-۹۵ جنگ رستم در کوه سپند
- ۲۳۱ ۶-۹۵ جنگ نوذر و افراسیاب
- ۲۳۱ ۷-۹۵ جنگ رستم و افراسیاب
- ۲۳۱ ۸-۹۵ جنگ کیکاوس در مازندران
- ۲۳۱ ۹-۹۵ جنگ کیکاوس در هاماوران
- ۲۳۲ ۱۰-۹۵ جنگ هفت گردان
- ۲۳۲ ۱۱-۹۵ جنگ رستم و سهراب
- ۲۳۲ ۱۲-۹۵ جنگ سیاوش و افراسیاب
- ۲۳۳ ۱۳-۹۵ جنگ افراسیاب با سیاوش
- ۲۳۳ ۱۴-۹۵ جنگ رستم به خونخواهی سیاوش

۱۵-۹۵ جنگ گیو با تورانیان ۲۳۳

۱۶-۹۵ جنگ کیخسرو در دژ بهمن ۲۳۳

۱۷-۹۵ جنگ فرود با ایرانیان ۲۳۳

۱۸-۹۵ جنگ کاموس کشانی ۲۳۴

۱۹-۹۵ جنگ رستم و خاقان چین ۲۳۴

۲۰-۹۵ جنگ رستم با اکوان دیو ۲۳۴

۲۱-۹۵ جنگ رستم در ایوان افراسیاب ۲۳۴

۲۲-۹۵ جنگ دوازده رخ ۲۳۵

۲۳-۹۵ جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب ۲۳۵

۲۴-۹۵ جنگ گشتاسب با گرگ ۲۳۵

۲۵-۹۵ جنگ گشتاسب با گرگ ۲۳۵

۲۶-۹۵ جنگ گشتاسب با الیاس ۲۳۵

۲۷-۹۵ جنگ گشتاسب و اسفندیار با ارجاسب ۲۳۶

۲۸-۹۵ جنگ رستم و اسفندیار ۲۳۶

۲۹-۹۵ جنگ رستم با مرگ (رستم و شغاد) ۲۳۷

فصل ششم:

۱-۶ نتیجه گیری ۲۳۹

منابع و مأخذ ۲۴۳

پیوست‌ها

الف - جداول

ب - نقشه‌ها

پ - اشکال و پیکره‌ها

الف - فهرست جداول

صفحه	عنوان
.....	۱-۴ جنگ با دیوان و اهریمنان (در بخش اساطیری و پهلوانی شاهنامه)
.....	۲-۴ جنگ‌های ایران و توران
.....	۳-۴ جنگ‌های ایران با بربرستان، هاماوران و متحدانش
.....	۱-۵ جنگ‌های تن به تن (انسان - غیرانسان / غیرانسان - غیرانسان) در بخش پهلوانی شاهنامه

ب - فهرست نقشه‌ها

صفحه	عنوان
.....	۱-۳ جنگ منوچهر با تور و برخورد قباد، سرجلودار نیروی ایرانیان با تورانیان
.....	۲-۳ شیخون زدن تور به منوچهر و کشته شدن تور
.....	۳-۳ ارتش کشی کیکاوس به هاماوران
.....	۴-۳ ارتش کشی رستم به هاماوران
.....	۵-۳ طرح استنباطی صف‌آرایی گودرز و پیران در جنگ دوازده رخ
.....	۶-۳ طرح استنباطی سه راه رویین دژ
.....	۱-۴ ایران بزرگ شاهنشاه آفریدون
.....	۲-۴ ایران بزرگ شاهنشاه آفریدون که میان پسرانش بخش گردید
.....	۳-۴ نقشه‌ی مازندران

پ - فهرست اشکال و پیکره‌ها

صفحه

عنوان

.....	۱-۵ پرچم‌های باستانی ایران
.....	۲-۵ درفش پادشاهی
.....	۳-۵ درفش کاویانی

چکیده

نگاهی اجمالی، اما نه چندان گذرا به جنگ‌های پهلوانی شاهنامه، از یک سو یادآور جنگ و جنگ‌آوری دلاوران و از دیگر سو، نمایانگر آداب و رسوم، فرهنگ و آیین قوم ایرانی است. شاهنامه، آیین‌های تمام‌نمایی است که جامع‌همه‌ی ویژگی‌های زندگانی ایرانیان در دوره‌ی باستانی است و فردوسی بزرگ در قالب حماسه‌های سترگش نمایشگر توانای این صحنه‌های غرورانگیز ملی است. عنوان این پژوهش «جنگ در بخش پهلوانی شاهنامه» می‌باشد که در شش فصل تنظیم شده است:

فصل اول با نگاهی به شرح حال فردوسی آغاز شده است، از آنجا که شناخت شاعران و نویسندگان بدون آگاهی از زمان و مکانی که در آن می‌زیسته‌اند، امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ از این رو سعی بر آن بوده که به اختصار، وضعیت اجتماعی زمان فردوسی نموده شود؛ چه بدون آگاهی از عصر وی، ضرورت سرودن شاهنامه، علل و انگیزه‌ی او در آفرینش این شاهکار عظیم و دلایل عرضه‌ی این اثر به محمود غزنوی، بر همگان پوشیده خواهد ماند. از آنجا که عصر فردوسی را عصر حماسه‌ی ملی و خردآرمانی نامیده‌اند، از این رو در فصل دوم از حماسه و ویژگی‌های آن، زمان پیدایش حماسه و انواع آن، سخن رفته است و چون اساس و شالوده‌ی هر اثر حماسی بر جنگ‌ها و ستیزه‌ها نهاده شده، به همین سبب فصل سوم به شرح جنگ‌های عصر پهلوانی اختصاص یافته است. بی‌گمان این بخش از گفتار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، زیرا ایرانیان در این جنگ‌ها در جهت بسط عدالت و گسترش آیین مردمی و مکارم اخلاقی و نیز زدودن ظلم و ستم و ردایل اخلاقی از پهنه‌ی گیتی گام برمی‌دارند.

درحقیقت جنگ‌های شاهنامه ستیز میان خیر و شر است. در این فصل خلاصه‌ی کلی جنگ‌ها آورده شده است. در فصل چهارم سعی بر آن بوده است که چهره‌ی دشمنان ایران از نخستین ازمنه نشان داده شود. در این قسمت ضمن تقسیم دشمنان ایران به اصلی و فرعی، ریشه‌ی این عنادها و دشمنی‌ها ذکر گردیده، همچنین به جغرافیای سرزمین دشمن اشاره شده است، چه آگاهی از مکان و جایگاه جغرافیایی آنان بی‌شک ما را در شناخت هرچه بیشتر دشمنان و طریق مقابله با آنان یاری خواهد داد، از این رو با ارائه‌ی نقشه‌هایی چند، حمله‌ی دریایی رستم و کیکاوس به پادشاه هاموران و... نشان داده شده است.

ادامه‌ی چکیده

در فصل پنجم جنگ و آیین‌های آن در شاهنامه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. تیزبینی فردوسی و دقت او در ترسیم و توصیف میدان جنگ، صحنه‌های نبرد گردان با ابزار و ادوات جنگی، نوع کاربرد سلاح‌ها، جنگ‌های گروهی و تن به تن همچنین نبردهای روانی آنها، ترفندها و عملکردهایشان که گاه به شیوه‌ی عیاران می‌باشد، توصیف اسبان تیزتگ و نیز گروه سواره نظام و پیاده نظام، طلایه‌داران و کارآگاهان به همراه نقش ویژه‌ای که هر یک در جنگ‌ها ایفا می‌کنند، همگی بر آگاهی و شناخت فردوسی از علوم و فنون جنگی دلالت می‌کند. فصل ششم به نتیجه‌گیری از فصل‌های گذشته اختصاص دارد، و سرانجام پایان بخش این رساله فهرست منابع و مأخذ و پس از آن پیوست‌ها (جداول، نقشه‌ها و اشکال و پیکره‌ها) می‌باشد.

واژگان کلیدی:

جنگ - پهلوانی - شاهنامه - فردوسی

فصل اول:

مقدمه

۱-۱ مقدمه

شاهنامه‌ی فردوسی، از نادر منابعی است که چون اقیانوسی ژرف و موج، پیوسته مورد استفاده‌ی محققان عالی‌قدر و پژوهشگران ژرف‌نگر قرار گرفته است و هریک از آنها متناسب با دانش و خرد خود از آن بهره گرفته‌اند. شاهنامه تاریخ، شناسنامه و آیین‌ی تمام‌نمای هویت ایرانیان در گستره‌ی زمان است و فردوسی بزرگ که مورّخی توانا و شاعری خردمند و یگانه است، این سند ارزشمند مردم وطن خویش را در قالب حماسه‌ی فاخر خود به نظم کشیده است. حماسه‌ی او با انگشت‌شمار حماسه‌های برگزیده‌ی جهان چون ایللیاد و ادیسه اثر هومر، شاعر توانای یونان باستان، و مه‌ابه‌ارات در هند برابری می‌کند، با این تفاوت که هدف قهرمانان این حماسه‌های برگزیده بیشتر عشق و علاقه به زنان است، درحالی که پهلوانان حماسه‌ی فردوسی برای نگهداری مرزهای وطن و گسترش نیکی‌ها تلاش می‌کنند. از همین‌رو است که فردوسی و شاهنامه‌اش بر دیگر حماسه‌سرایان و حماسه‌هایشان برتر می‌نماید.

موضوع شاهنامه جنگ است، جنگ‌هایی که مردم وطن ما در طول سالیان دراز درگیر آن بوده‌اند، چه سرزمین ایران از نظر جغرافیایی در مکانی واقع شده است که گرداگرد آن، اقوام بیابان‌گرد به‌سر می‌بردند، اینان همیشه به فرهنگ و تمدن مردم ایران رشک برده، با حسرت و آرزو به دست‌مایه و ثروت این سرزمین چشم داشتند. از همین‌رو است که زمانی تورانیان انگیزه‌های نبرد را در مردم این سرزمین ایجاد می‌کنند و زمانی دیگر، رومیان و دیگر اقوام موجبات نگرانی ایرانیان را فراهم می‌آورند، و سرانجام عرب‌ها که با تاخت و تاز خود، بنیان فرهنگ و تمدن ایران زمین را درهم می‌ریزند، البته هدیه‌ی این قوم به مردم ما دین مبین اسلام بود، دینی که در اوج اعتقادات مردم این سرزمین جای گرفته است.

صرف‌نظر از این رویداد مهم دینی، اغلب تاریخ‌نویسان و مورّخان برآنند که حمله‌ی عرب‌ها موجب کشتار بسیار و قتل و غارت فراوان گردیده است؛ نتیجه‌ی این سلسله جنگ‌ها در هر حال برای ایرانیان دل‌باخته به پیشرفت و ترقی و تعالی تمدن، خوشایند نبوده است و شاید این بغض فرو خفته در گلو‌ی مردم ایران است که در کلام این فرزانه‌ی خردمند ایرانی جاری می‌شود و کاخ سخن دیرپا و جاودانه‌ی شاهنامه را به جهانیان عرضه

می‌کند. شاهنامه در واقع پاسخ به تاریخ است که فردوسی آن را دوباره می‌سازد و شکوه و عظمت ازدست رفته‌ی ایران را دگرباره، در یادها زنده می‌کند و چه خوش می‌سراید:

بسی رنج بردم در این سال سی	عجم زده کردم بدین پارسی
بناهای آباد گردد خراب	ز باران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند	که از باد و باران نیابد گزند
نمیرم از این پس که من زنده‌ام	که تخم سخن را پراکنده‌ام

باری، از آنجا که «جنگ در بخش پهلوانی شاهنامه» موضوع این پایان‌نامه است. شاید بهتر باشد در مورد انتخاب موضوع اگرچه خیلی کوتاه سخن گفته شود. از سال‌های دور بر آن بودم که شاهنامه‌ی فردوسی اوج سخن و سخنوری است و موضوع آن آموزش هنر زندگانی است، مگر نه این است که زندگانی انسان سراسر جنگ و ستیز است؛ ستیز با نامالیمات، سختی‌ها، درماندگی‌ها، دشمنی‌ها و دیگر مظاهر زندگی که همه‌ی ما با آن درگیر می‌شویم و تلاش می‌کنیم تا از فراز و فرود آن بگذریم و خود را به جایگاه امن برسانیم؛ این جایگاه امن هنر زندگی کردن است، که به تعبیری شاید بتوان آن را هنر جنگیدن نامید و این همان چیزی است که این فرزند خوب سرزمین ایران به ما ارزانی داشته است.

به راستی چه کسی همانند فردوسی می‌تواند هنر جنگ‌آوری را بیاموزد؟ این فردوسی است که در میدان‌های جنگ همانند سپهبدی آگاه و توانا، همه‌ی پهنه‌ی جنگ را از میمنه و میسره گرفته تا قلب و جناح، زیر نظر داشته و آن را چنان فرماندهی می‌کند که سرانجام شاهد پیروزی را در آغوش کشیده و طعم شکست را در کام دشمنان فرو می‌ریزد. آری، آن بزرگ مرد در شاهنامه‌اش هنر جنگ و جنگ‌آوری را چه در میدان نبرد و چه در پهنه زندگانی به ما ارزانی داشته است.

از سویی همیشه با خود اندیشیده‌ام که این وادی، عرصه‌ی سیمرغ است و عقابان پرتوان را شایسته است که در آسمان بی‌کرائش به پرواز درآیند و اوج گیرند و یادآور عظمت دیرینش باشند و دریغ، از ذره‌ی ناچیزی چون من که بتواند چنین خورشید درخشانی را به توصیف نشیند؛ با این همه، با گزینش موضوع پایان‌نامه تلاش کردم تا از دریای زلال، موج و بی‌کران این حماسه‌سرای همه‌ی سده‌های تاریخ ایران زمین قطره‌ای، آری فقط قطره‌ای نوشیده و تشنگی دیرین را از سر و نهم که آب دریا را کشیدن نتوانم، نتوانم.